



پرداختن علامه طباطبایی به امر ولایت سیاسی در نوع خود بدیع است

حجت الاسلام داود مهدوی زادگان گفت: پرداختن مرحوم علامه به امر ولایت سیاسی در سلک کارهای فلسفی، در نوع خود بدیع است.

حجت الاسلام داود مهدوی زادگان گفت: پرداختن مرحوم علامه به امر ولایت سیاسی در سلک کارهای فلسفی، در نوع خود بدیع است.

به گزارش خبرنگار مهر، هفتاد و هشتمین جلسه گروه علمی فلسفه سیاسی مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع نسبت سنجی دو رساله ولایی علامه طباطبائی (رساله الولایه و مقاله زعامت و ولایت) با ارائه حجت الاسلام داود مهدوی زادگان روز گذشته برگزار شد.

مهدوی زادگان در این نشست گفت: دو رساله مهم و راهگشا در امر ولایت از مرحوم علامه طباطبایی (ره) به یادگار مانده است. نخست «رساله الولایه» و دیگری مقاله «مسئله ولایت و زعامت» است. رساله نخست در باب تکوین و محبت و قرب الی الله است و رساله دوم در باب تشریح و سرپرستی و ریاست عامه است. گرچه فیلسوفان مسلمانی که در صدق نوشتن رساله ای در امر ولایت بر آمده اند، این امر را به تکوینی و تشریحی تقسیم می کنند؛ لیکن آنان تمام بحث خود را به همان ولایت تکوینی اختصاص می دهند و کمتر وارد بحث ولایت تشریحی می شوند. لذا پرداختن مرحوم علامه به امر ولایت سیاسی در سلک کارهای فلسفی، در نوع خود بدیع است.

وی ادامه داد: از این رو، ممکن است این اقدام مرحوم علامه را جبران کاستی رساله های عرفانی _ فلسفی دانست. البته در این صورت، جای پرسش است که چه عواملی موجب اهتمام علامه طباطبایی (ره) در نوشتن رساله دوم (ولایت سیاسی) شده است. ممکن است از جمله این عوامل، روحیه اجتماعی و سیاسی ایشان باشد و یا به عوامل معرفتی باز گردد. زیرا مرحوم علامه در همان فصل اول رساله الولایه، بعد آن که موجودات را به دو قسم حقیقی و اعتباری تقسیم کرده است، امر اعتباری را متقوم به موجود حقیقی دانسته است. همچنان که امر ظاهر به امر باطن، متقوم است.

وی افزود: لذا ممکن است گفته شود که حضرت علامه (ره) در صدق تبیین قوام ولایت سیاسی بر ولایت تکوینی و حقیقی بر آمده است. لیکن جناب ایشان در همان مقاله ولایت و زعامت جمله ای را بیان کرده است که این برداشت (ارجاع ظاهر به باطن) را به تردید می اندازد. ایشان بعد ذکر آیات ولایت در قرآن کریم، چنین گفته است: «البته جماعتی ولایت را در این آیات به معنای دوستی یا معنای یاری گرفته اند، ولی جز اینکه کلمه را از معنای حقیقی ماده اصلی آن سلخ نموده اند کاری انجام نداده اند» (طباطبایی محمد حسین، ۱۳۸۹: ۱۷۴). بر این اساس، نباید این دسته از آیات را در بحث ولایت تکوینی به کار بست. این سخن، پرسش از نسبت سنجی دو رساله ولایی علامه (ره) را برجسته می سازد.

مهدوی زادگان با طرح اسن سوال که چه نسبتی میان دو رساله ولایی «رساله الولایه» و دیگری مقاله «مسئله ولایت و زعامت» در دستگاه فلسفی مرحوم علامه طباطبایی (ره) بر قرار است؟ گفت: اهمیت پرداختن به این مساله در فهم پاره ای از مسایل مانند رابطه دین و سیاست، امر تکوینی و امر تشریحی، ولایت سیاسی و ولایت باطنی و دیگر مناسباتی که از خلال این مباحث معلوم می گردد، است.

وی ادامه داد: در پاسخ به این مساله سه دیدگاه قابل فرض است. برای هر یک از این سه دیدگاه دلایلی می توان ذکر کرد و از میان این دلایل است که حقیقت امر معلوم می گردد: اول، عدم ترابط؛ یعنی عدم ربط امر اعتباری و امر تکوینی (دو رساله مستقل). دوم، ترابط علی؛ ارتباط امر حقیقی و امر اعتباری یا ارتباط امر باطنی و امر ظاهری. سوم، ترابط معی؛ تلازم و معیت ولایت تکوینی و ولایت سیاسی.